

تحلیل محیط راهبردی بحران یمن و شبیه‌سازی روندهای آتی

با استفاده از تکنیک نقشه شناختی فازی

سعید علوی وفا^۱، سید عباس عراقچی^۲

دریافت مقاله: ۹۶/۱۱/۲۶

پذیرش مقاله: ۹۷/۰۱/۲۹

چکیده

با توجه به ابهامات و متغیرهای فراوان اثرگذار بر میداین تصمیم‌گیری، استفاده از روش‌های مبتنی بر ریاضیات و سیستم‌های خبره نظیر روش نقشه‌های شناختی فازی راهکار نوینی برای شفاف‌تر کردن محیط غبارآلود حاکم بر تصمیمات راهبردی می‌باشد. هدف این تحقیق واکاوی و شبیه‌سازی کنشی کنشگران مؤثر بر بحران یمن با استفاده از ابزار نوین تحلیلی نقشه شناخت فازی است. لذا ابتدا عوامل کلیدی مؤثر بر بحران یمن و سپس مفهوم و کارکرد نقشه شناختی فازی به‌عنوان روش تسهیل‌کننده تصمیم و تحلیل سیستم-ها واکاوی شد این پژوهش از نظر هدف کاربردی-اکتشافی و نوع روش پژوهش توصیفی-پیمایشی است و بر اساس مطالعات جامع، جلسات پنل خبرگی و پرسشنامه‌های نیمه‌باز، مبادرت به شناسایی، اولویت‌بندی متغیرهای مؤثر بر بحران یمن شده و با کمک ابزارهای تجزیه و تحلیل آماری همبستگی پیرسون، واریانس فریدمن، ضریب آلفای کرونباخ و نقشه شناخت فازی، روابط و کنش عوامل شناسایی و شبیه‌سازی شد. همچنین پایایی و روایی پرسشنامه از طریق تأیید خبرگان و محاسبه آلفای کرونباخ (۰/۷۸) تضمین شد. بر این اساس نیروهای مؤثر بر بحران یمن مشتمل بر ۲۰ عامل شد که در قالب یک مدل مفهومی برهم‌کنش این عوامل بازنمایی شد و مشخص شد که هیچ‌یک از عوامل مؤثر بر محیط راهبردی بحران یمن دارای نقش تامه نبوده و سناریوهای متعددی در آینده بحران یمن قابل شبیه‌سازی است لیکن مهم‌ترین عامل مؤثر بر بحران یمن نیروهای مردمی و یمنی از هر دو طیف می‌باشند که بدون لحاظ کنش آن‌ها پایان پایداری بر این بحران قابل شناسایی نیست.

واژگان کلیدی: محیط راهبردی، بحران یمن، روند، کنشگران، نقشه شناخت فازی

۱- دانش‌آموخته دکترا مدیریت راهبردی پدافند غیرعامل دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) s-alavi@irib.ir

۲- عضو هیئت علمی پژوهشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه



مقدمه

شاید بتوان اظهار داشت تصمیمات روزمره‌ای که تا چند دهه قبل به سادگی قابل اتخاذ بودند، امروزه به معادلات و نامعادلاتی چندوجهی بدل گردیده‌اند. این امر در تمامی حیطه‌های اجتماع بشری از امنیت و سیاست گرفته تا اقتصاد، فرهنگ و مدیریتی به چشم می‌خورد. (خجسته، ۱۳۹۳: ۱۹). امروزه چالش بزرگ سازمان‌ها تدوین راهبردهای اثربخش نیست بلکه استقرار مطلوب استراتژی‌ها و تحلیل و پیش‌بینی کنش متغیرهای مؤثر بر فضای راهبردی است (آرمسترانگ، ۱۳۸۸: ۴۹). تعدد بسیار زیاد مؤلفه‌های مؤثر بر تحقق اهداف، برنامه‌ها، تأمین منابع و سرمایه، سرمایه‌های انسانی، ثبات مدیریت و دخالت متغیرهای خارجی در حیطه امور داخلی سازمان‌ها و کشورها موجب گردیده تا تحلیل‌گران به فکر شناسایی عوامل مؤثر مهم بوده و تلاش کنند با بهره‌گیری از روش‌ها و مدل‌های تجزیه و تحلیل ریاضی و کمی، تأثیر هر یک از مؤلفه‌های مهم و مؤثر را شناسایی کرده و رفتار آن‌ها را در آینده پیش‌بینی کنند در بین روش‌های تحلیل راهبردی، روش مبتنی بر نقشه شناخت فازی در فضای ابهام و پیچیدگی کاربرد زیادی دارد (پورصادق و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۱). از سوی دیگر به دلیل پیچیدگی‌های حاکم بر مدیریت فضای تخصص و نبرد به لحاظ تنوع قصد، نیت، فعالیت، تمایز کارکردی، برد و عمق تأثیرگذاری ناشی از کنش نیروهای مؤثر و ذی‌نفوذ داخلی و خارجی مؤثر بر بحران یمن، تحقق اهداف و پیاده‌سازی راهبردها و عملیات کنشگران این عرصه به یکی از مهم‌ترین موضوعات راهبردی منطقه و جهان تبدیل شده است. اهمیت این پژوهش از آن جهت است که بحران یمن یکی از مهم‌ترین بحران‌های منطقه غرب آسیا است و نتیجه آن می‌تواند بر معادلات منطقه‌ای و جهانی تأثیر بسزایی داشته باشد و ضرورت آن این است که به دلیل شرایط پیچیده، متغیر و غیرقابل پیش‌بینی متغیرهای تأثیرگذار بر محیط غیرخطی بحران یمن، مدیران، تحلیل‌گران و تصمیم‌گیران ارشد برای رسیدن به یک فهم و درک عینی و حسی، لاجرم نیازمند استفاده از ابزارهای نوین تحلیلی و منطقی نظیر نقشه شناختی فازی می‌باشند. لذا مسئله اصلی این پژوهش شناسایی و اولویت‌بندی کنشگران و کنش بین آن‌ها در فضای راهبردی بحران یمن و تجزیه و تحلیل این مؤلفه‌ها مبتنی بر تکنیک نقشه شناخت فازی است و هدف اصلی این پژوهش تبیین برهم‌کنش کنشگران و بازیگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بحران یمن مبتنی بر تکنیک نقشه شناخت فازی است. لذا در این پژوهش به دنبال پاسخ به سؤال چستی عوامل و بازیگران مؤثر بر محیط راهبردی بحران یمن و چگونگی برهم‌کنش این عوامل و نیز شناسایی نقش هر یک از عوامل بر آینده محیط راهبردی بحران یمن باشیم.



مبانی نظری

– پیشینه شناسی :

در زمینه تحلیل محیط راهبردی با استفاده از روش نقشه‌های شناختی، تعداد بسیار محدودی پژوهش وجود دارد و عموماً این پژوهش‌ها در حوزه فنی و پزشکی است و محدود پژوهش در حوزه مدیریت مختص تحلیل محیط راهبردی فلسطین است که توسط هنر کسینجری در سال ۱۹۹۲ انجام شده است در ایران نیز پژوهش مرتبط با موضوع تحقیق پورصادق و همکاران در خصوص تحلیل کنش کنشگران مؤثر بر بحران سوریه است. بر این اساس می‌توان گفت تحلیل محیط راهبردی بر اساس نقشه شناخت فازی یکی از ابزارهای مؤثر تحلیل و واکاوی کنش کنشگران فضای راهبردی است به طوری که بهره‌مندی از آن ظرفیت و توان آنالیز مناسبی را در اختیار تحلیل‌گران قرار می‌دهد تا به کمک آن بتوانند کنش بازیگران این عرصه را شناسایی، ارزیابی نمایند. مدل‌های مبتنی بر نقشه شناختی، که یک ابزار نوین تحلیل عاملی می‌باشد، مفاهیم ذهنی و کیفی را به مفاهیم عینی و کمی تبدیل کرده و با تبیین روابط علی بین متغیرها، تصمیم‌گیران را برای اتخاذ تدابیر کارآمد و اثرگذار یاری می‌کند. (پورصادق و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۳). نقشه‌های شناخت فازی یکی از مؤثرترین روش‌های درک و فهم مفاهیم انتزاعی است و می‌توان با ترسیم نمودارهایی، رابطه‌ی علی بین دانش و داده‌ها و یا رویداد و وقایع مرتبط باهم را بازنمایی کرد (هیدبرس، ۲۰۱۱: ۷۹). به عبارتی نقشه شناخت فازی با توصیف هر سیستم از طریق مدل کردن علائمی از علیت (که نشان‌دهنده رابطه مثبت و یا منفی)، نقاط قوت روابط علت و معلولی (که برگرفته از ارزش‌های فازی) و توالی و سلسله‌مراتب ارتباط علت و معلولی می‌تواند تحلیل‌گران و تصمیم‌گیران را به یک درک راحت، دقیق، جامع و قابل‌فهم از سیستم‌های پیچیده رهنمون باشد. مهم‌ترین مزیت نقشه شناختی فازی، مدیریت اطلاعات مبهم و ناقص می‌باشد. (منتظمی، ۱۹۸۶: ۴۹)

روند واژه شناخته‌شده در حوزه آینده‌اندیشی است روندها بر پیوستگی‌های متغیرها تأکید می‌کنند. روند نوعی جهت‌گیری فزاینده یا کاهنده در یک بازه را نشان می‌دهد و به ۳ دسته «روندهایی که استمرار حال و گذشته‌اند»، «روندهای کم‌وبیش ادواری» و «روندهای نوظهور» تقسیم می‌شوند. (دیتور، ۱۳۷۸: ۴۱). روند هنگامی ظاهر می‌شود که چند پدیده دارای یک گرایش یا جهت‌گیری عمومی بوده و به «تغییرات یک دسته از داده‌ها یا پدیده‌ها»، «تغییرات در یک بازه‌ی زمانی» و «ساده‌سازی پیچیدگی پدیده‌ها» می‌پردازند. تحلیل روند یک رویکرد ساده به‌پیش بینی است تا ادراکات ما در مورد رویدادهای آینده را مشخص می‌کند (گوردن، ۲۰۰۳: ۲۲۴-۲۲۵).



- مفهوم شناسی :

محیط راهبردی بحران یمن: منظور از محیط راهبردی بحران یمن، مجموعه‌ای از مهم‌ترین کنشگران و کنش آن‌ها در بحران یمن است به طوری که در ثبات، عدم ثبات و یا ادامه و یا پایان بحران تأثیرگذار می‌باشند که در ادامه معرفی و تبیین می‌شوند:

عناصر مؤثر ژئوپلیتیک یمن: یمن کشوری عرب‌زبان در جنوب غربی آسیا به پایتخت صنعا و جمعیت حدوداً ۲۴ میلیونی و با وسعت ۵۲۷۹۶۸ کیلومترمربع است. هم‌جواری یمن با عربستان، خلیج عدن، دریای سرخ و عمان اهمیت ژئوپلیتیک آن را چند برابر کرده است محدود می‌شود. توزیع متعادل تعداد پیروان شیعی و سنی باعث تقسیم قدرت بین این دو شده است. اغلب سنی‌ها شافعی و بیشتر شیعه‌های یمن از شاخه زیدی هستند. سنی‌ها بیشتر در جنوب و جنوب شرق، شیعه‌های زیدی عمدتاً در شمال و شمال غرب و اسماعیلی‌ها بیشتر در مراکز اصلی نظیر صنعا و مأرب زندگی می‌کنند. تولیدات نفتی ۶۳ درصد درآمد‌های دولت را تشکیل می‌داد. رشد جمعیت کشور بالاست و نرخ باروری ۴/۴۵ فرزند برای هر زن است. بر اساس قانون اساسی اسلام دین رسمی کشور و مبنای همه قوانین است. یمن کشوری عمدتاً قبیله‌ای است و در بخش‌های کوهستانی شمال کشور حدود ۴۰۰ قبیله زیدی وجود دارند. برخی از یمنی‌ها هم ایرانی‌تبار هستند. در قرن دهم بیشتر اهالی عدن ایرانی بودند. یهودیان یمن هم در گذشته جمعیت قابل توجهی داشتند اما بیشتر آن‌ها در قرن بیستم به رژیم صهیونیستی مهاجرت کردند. حدود یک‌صد هزار هندی تبار و بیش از یک‌میلیون نفر هم مهاجر سومالیایی دارد. (وزارت امور خارجه، ۱۳۹۲: ۵-۶).

بحران سیاسی یمن: یمن بین سال‌های ۱۹۶۲ تا ۱۹۹۰ به دو کشور جمهوری عربی یمن (یمن شمالی) و جمهوری دموکراتیک یمن (یمن جنوبی) تجزیه شده بود و در سال ۱۹۹۰ جمهوری یمن به وجود آمد. در سال ۱۹۹۴ جنگ داخلی میان جدایی‌خواهان جنوبی و حکومت مرکزی در گرفت که با پیروزی شمالی‌ها اتحاد پابرجا ماند. علی عبدالله صالح از سال ۱۹۷۸ به‌عنوان رئیس‌جمهور یمن شمالی و از سال ۱۹۹۰ به‌عنوان رئیس‌جمهور یمن متحد قدرت را در این کشور در دست داشت. وی در سال ۲۰۱۲ با اعتراضات گسترده مردمی که به انقلاب یمن معروف شد از قدرت کناره‌گیری کرده اما همچنان یک بازیگر تأثیرگذار در صحنه سیاست کشور است و نیروهای وفادار به او در مارس ۲۰۱۵ با حوثی‌ها وارد ائتلاف شده‌اند. پس از انقلاب یمن در سال ۲۰۱۲ قدرت حکومت مرکزی تا حد زیادی از دست‌رفته و بیشتر نقاط کشور خارج از کنترل آن هستند. حوثی‌ها که یک شیعه زیدی هستند و مرکز آن‌ها در استان سعه در شمال کشور است قوی‌ترین قدرت یمن هستند که تا مارس ۲۰۱۵ صنعا پایتخت و بزرگ‌ترین شهر کشور را در کنترل خود دارند. انصارالشریعه که شاخه‌ای از القاعده است نیز دیگر گروه قدرتمند این کشور است. نقطه عطف تاریخ ۵۰ ساله اخیر یمن مربوط به سال ۲۰۱۲ است که عبدالله صالح پس از ۱۸ سال ریاست جمهوری در جمهوری متحد یمن و مجموعاً ۳۳ سال ریاست جمهوری (با احتساب ریاست جمهوری صالح در یمن



شمالی از سال ۱۹۷۸ تا فوریه ۲۰۱۲) از قدرت برکنار شد. با وجود گذشت سه سال از برکناری صالح از قدرت، یمن همچنان کشور ناآرام و بی‌ثباتی است. دولت موقت منصور هادی که ابتدا برای یک دوره دوساله تعیین شده بود، طی دو سال اقدام خاصی برای گذار از دوران موقت انجام نداد و به‌ناچار این دوره موقت برای مدت یک سال دیگر تمدید شد که طی این یک سال نیز نه قانون اساسی جدید تدوین و نه زمینه برای برگزاری انتخابات مجلس فراهم شد. دولت موقت منصور هادی در ژوئن ۲۰۱۳ قیمت حامل‌های انرژی را افزایش داد که این اقدام با اعتراض گسترده مردم یمن که در زمره فقیرترین مردم در غرب آسیا محسوب می‌شوند، مواجه شد. جنبش انصار الله یا همان حوثی‌ها که یک‌سوم جمعیت یمن را تشکیل می‌دهند و از بروز انحراف در انقلاب مردمی این کشور نیز ناراضی بودند، اعتراض‌های ژوئن ۲۰۱۳ مردم را رهبری کرده و به‌عنوان یک فرصت برای اعمال فشار مضاعف بر دولت موقت منصور هادی استفاده کردند. نتیجه جنبش اعتراضی سال گذشته مردم یمن امضای توافقنامه سیاسی ۲۱ سپتامبر بود که طی آن نخست‌وزیر وقت استعفا داد و مقرر شد تا کابینه بعدی یمن با مشارکت و رضایت انصار الله تشکیل شود (همان: ۹). اگرچه منصور هادی این توافقنامه را پذیرفت اما وی این توافقنامه را باهدف ایجاد فرصت برای دولت موقت جهت مدیریت بحران پذیرفت و تصور نمی‌کرد که تأثیرگذاری انصار الله در قدرت ادامه‌دار باشد. اتفاقات یمن در عمل مطابق برداشت و انتظار منصور هادی و سایر اعضای کابینه پیش نرفت و هادی و نخست‌وزیر یمن باهدف اعمال فشار بر انصار الله از سمت خود استعفا دادند اما راهکار انصار الله در قبال این استعفا، اجلاس گفت‌وگوی ملی و بیانیه قانون اساسی بود. مطابق بیانیه قانون اساسی، شورای ملی ریاست جمهوری تشکیل شد که قدرت را برای یک دوره موقت دوساله در اختیار خواهد داشت که وظیفه دارد زمینه تدوین قانون اساسی جدید و برگزاری انتخابات را فراهم کند. درعین حال، به‌جای پارلمان منحل شده نیز مجلس ۵۵۱ نفری تشکیل خواهد شد. منصور هادی در گام بعدی به شهر عدن رفت و در این شهر و با کمک حامیان عربی خود اقداماتی ضد انصار الله انجام داد و خواستار مداخله نظامی شورای همکاری خلیج فارس در یمن شد. مجموعه این اتفاقات سبب شد تحلیلگران از انقلاب دوم در یمن موسوم به انقلاب ۲۱ سپتامبر سخن گویند و آن را نقطه عطف دیگری در تاریخ این کشور در نظر گیرند. بااین حال، بیانیه قانون اساسی یمن واکنش شدید بازیگران خارجی مخالف را به دنبال داشته است و شمار زیادی از کشورها از جمله عربستان سعودی، امارات، ترکیه، امریکا، انگلستان، ایتالیا و آلمان فعالیت سفارتخانه‌های خود در یمن را به حالت تعلیق درآوردند. دبیر کل سازمان ملل، رسماً خواستار مداخله شورای امنیت در امور داخلی یمن شد و شورای امنیت نیز با صدور قطعنامه‌ای خواستار خلع سلاح انصار الله و بازگشت مقامات دولت موقت به قدرت شد. «عبدالکریم الخیوانی»، نماینده جنبش انصار الله روز ۱۸ مارس ترور شد. روز ۲۰ مارس نیز چند انفجار تروریستی در مساجد حشوحوش و بدر در صنعا، پایتخت یمن، رخ داد که طی آن صدها نفر از نیروها و حامیان انصار الله کشته و زخمی شدند. ارتش و



نیروهای انصار الله نیز در واکنش به این انفجارها، ابتدا به سمت شهر تعز، سومین شهر بزرگ یمن، حرکت کرده و کنترل کامل این شهر و فرودگاه آن را در اختیار گرفته و توانستند بر ساختمان‌های دولتی، نظامی و دادگستری شهر تعز تسلط یابند. نیروهای انصار الله پس از کنترل تعز، به سمت شهر عدن که کانون توطئه علیه انصار الله بود و منصور هادی نیز در آنجا حضور داشت، حرکت کرده و روز ۲۵ مارس توانستند کنترل این شهر را نیز در اختیار گیرند. منصور هادی بار دیگر و این بار از عدن فرار و به خارج از یمن گریخت. کنترل انصار الله بر شهر جنوبی و راهبردی عدن به‌منزله پایان دوران انتقالی منصور هادی و شکست طرح ابتکاری سال ۲۰۱۱ شورای همکاری خلیج فارس بود. عربستان سعودی که از مخالفان اصلی به قدرت رسیدن انصار الله و تشکیل دولت مردمی در یمن بود از روز ۲۳ مارس نیز تعداد نیروهای نظامی خود در مرزهای با یمن را افزایش داد، منصور هادی را رئیس‌جمهور مشروع یمن اعلام و از روز ۲۶ مارس باهدف آنچه بازگرداندن مشروعیت به یمن عنوان شد، عملیات موسوم به «طوفان قاطع» را علیه یمن و انصار الله آغاز کرد. (محمدی، ۱۳۹۴: ۵۹-۶۱)

بازیگران بحران یمن: بازیگران بحران یمن را می‌توان به دودسته بازیگران داخلی و خارجی تقسیم کرد.

الف) بازیگران داخلی

۱- جنبش انصار الله: جنبش انصار الله به رهبری عبدالملک الحوثی، قدرتمندترین و سازمان‌یافته‌ترین گروه سیاسی- نظامی یمن کنونی محسوب می‌شود که اصلی‌ترین مطالبه آن، تدوین قانون اساسی جدید، برگزاری انتخابات رقابتی، تشکیل دولت دموکراتیک و گذر یمن از دوران انتقالی است (هلبارا^۱، ۲۰۱۵: ۲۰). «تونی کارتالوچی»، محقق ژئوپلیتیک، عنوان می‌کند که جنبش انصار الله در حقیقت تنها نیروی موجود در یمن هستند که با القاعده در شبه جزیره عربستان مبارزه می‌کنند. (کارتالوچی^۲، ۲۰۱۵: ۲۶) مهم‌ترین خواسته‌های حوثی‌ها، بازگرداندن قیمت‌ها به قیمت ثابت است. آن‌ها معتقدند مردم یمن تحمل این افزایش قیمت را ندارند. دومین خواسته‌ی آن‌ها استعفای دولت است. حوثی‌ها دولت را ملامت از فساد می‌دانند و چون دولت درگیر مفاسد مختلف است، بر این نظرند که دولت باید کنار رود و دولتی کارآمد و دلسوز جایگزین شود. در حوزه‌های مسائل فدرالیسم، یکی از نتایج گفت‌وگوهای ملی (که حدود یک سال پیش اتفاق افتاد)، تقسیم یمن به ۶ منطقه فدرالی است. به این ترتیب که یمن به‌گونه‌ای تقسیم شد که مناطق زیدی در چارچوب مناطق سنی قرار گرفت و مناطق بندری شمال و بخشی



1 - Ahelbarra
2 - Cartalucci

از مناطق شیعیان زیدی به مناطق سنی ملحق شد. مسائلی از این قبیل، حساسیت‌های زیادی ایجاد کرد. حوثی‌ها فدرالیسم را قبول دارند اما تقسیمات دولتی اخیر را نمی‌پذیرند. (رویوران، ۱۳۹۴: ۲)

۲- منصور هادی و هواداران وی: منصور هادی که در زمره اهل سنت یمن است و در سال ۲۰۱۲ رئیس‌جمهور شد، از بازیگران اصلی بحران کنونی این کشور محسوب می‌شود. منصور هادی با فرار به شهر عدن ضمن اینکه تلاش کرد دولتی موازی در این شهر جنوبی تشکیل دهد، از عربستان سعودی و شورای همکاری خلیج فارس خواست تا در یمن مداخله نظامی کنند. درحالی‌که با تصرف عدن توسط انصار الله موقعیت منصور هادی و هواداران وی در این شهر به شدت تضعیف شده بود، با حمله عربستان بار دیگر هواداران منصور هادی با نیروهای انصار الله درگیر شده و ضمن اینکه بخشی از ناامنی‌های کنونی یمن را تشکیل می‌دهند، با ائتلاف نظامی علیه این کشور نیز همکاری می‌کنند. اما نکته مهم این است که منصور هادی میان اکثریت جمعیت یمن بی‌اعتبار است (همان: ۳) و برخلاف آنچه عربستان سعودی و حتی شورای امنیت سازمان ملل عنوان می‌کنند در یمن مشروعیت ندارد.

۳- علی عبدالله صالح و هواداران وی: سومین گروه از بازیگران داخلی تحولات کنونی یمن را علی عبدالله صالح و هواداران وی تشکیل می‌دهند. عبدالله صالح که در سال ۲۰۱۲ پس از ۳۳ سال و بر اثر اعتراضات گسترده و طولانی مردمی و با طرح شورای همکاری خلیج فارس از قدرت کنار رفت، سودای بازگشت به قدرت و یا سهم شدن در قدرت را در سر دارد. اگرچه صالح از قدرت در سال ۲۰۱۱ کنار رفت اما حزب کنگره ملی که صالح ریاست آن را بر عهده دارد، در دوره منصور هادی نیز سهم زیادی در قدرت داشته است و همچنان شمار زیادی از گارد ریاست جمهوری به صالح و خانواده وی وفادار هستند. (تیم لیستر، ۲۰۱۱: ۲۱).

۴- القاعده: القاعده یکی از بازیگران اصلی بحران کنونی یمن است که در کنار ائتلاف نظامی به رهبری عربستان با انصار الله در حال جنگ است. گل‌بال ریسرچ از القاعده به‌عنوان «دارایی آمریکا» در یمن نام می‌برد (کارتونی، ۲۰۱۵: ۲۶). اگرچه شمار نیروهای القاعده در یمن طی سال‌های اخیر افزایش یافته است اما واقعیت این است که یمن سرزمینی است که القاعده حتی پیش از سال ۲۰۱۱ نیز حضور گسترده‌ای در آن داشته است؛ به طوری که اغلب بادی‌گاردهای بن‌لادن در دهه ۱۹۹۰ از یمن استخدام می‌شدند (گروه نورافشان، ۲۰۱۱: ۲۳). جنگ میان انصار الله و نیروهای القاعده بخش



مهمی از تحولات کنونی یمن را تشکیل می‌دهد و انصار الله عقب راندن القاعده از شهرهای جنوبی یمن را بر مقابله با عربستان ارجحیت داده است.

۵- ارتش یمن: ارتش یمن به‌عنوان یکی از مراکز قدرت نقش بسیار مهمی در تحولات یمن دارد مضاف بر این‌که در عرصه منازعات نظامی و اعمال قدرت مجهز به انواع تسلیحات و ادوات نظامی متعددی هست پس از تحولات یمن از سال ۲۰۱۱ و اعتراضات مردمی ارتش جانب مردم را گرفت همچنین احمد صالح پسر رئیس‌جمهور سابق یمن و رئیس سابق پاسگان ریاست جمهوری هم مانند قاطبه نیروهای ارتش طرفدار هم‌پیمان حوثی‌ها و جنبش انقلابی و مردمی انصار الله می‌باشند به‌طوری‌که طبق قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت سازمان ملل در لیست ممنوع السفران قرار گرفت و اموالشان در سایر کشورها مسدود شد (خطیب، ۲۰۱۵: ۹).

۶- احزاب قبیایلی یمنی: مهم‌ترین احزاب قبیایلی یمن احزاب الاصلاح، سوسیالیست، کنگره ملی و جنبش انصار الله می‌باشد که باوجود برخی اهداف مشابه، دارای اختلافات زیادی نیز می‌باشند حزب الاصلاح از بیانیه قانون اساسی حمایت نکرده و مطابق نسخه‌های عربستان پیش می‌رود، حزب سوسیالیست سودای استقلال یمن جنوبی را در سر دارد و حزب کنگره ملی نیز با انحلال پارلمان و تشکیل پارلمان جدید مخالف است. از این‌رو، ایجاد اجماع سیاسی در یمن اقدامی دشوار به نظر می‌رسد. حزب الاصلاح کنترل استان نفت خیز مارب را در اختیار گرفته و صنعا را از منابع نفتی که ۷۰ درصد درآمدهای حکومتی یمن را تشکیل می‌دهد، محروم کرده است. حزب سوسیالیست و گروه‌ها و برخی قبایل جنوب به بهانه تصرف صنعا توسط حوثی‌ها، اعلام خودمختاری کرده و حتی در سومین استان بزرگ یمن به لحاظ وسعت یعنی استان شبوه تلاش می‌کنند تا کنترل مراکز اداری و نظامی را در اختیار گیرند. حضور گسترده نیروهای القاعده در استان شبوه که با تصرف پادگان گردان پیاده‌نظام ارتش نیز همراه بود، سبب شده است تا جدایی طلبی در یمن جنوبی تقویت شود و حضور القاعده به‌خصوص در مناطق جنوبی یمن باعث افزایش فعالیت تروریسم و افراط‌گری در یمن شده است (تامسون، ۲۰۱۵: ۴).

(ب) بازیگران خارجی:

۱- عربستان سعودی: عربستان سعودی مخالف اصلی قدرت گرفتن انصار الله در یمن است که رهبری ائتلاف نظامی علیه این کشور را بر عهده دارد. عربستان سعودی در جنگ علیه یمن از حمایت قبيله الاحمر (بزرگ‌ترین قبيله)، حزب اخوانی الاصلاح و گروه‌های سلفی یمن و



هواداران منصور هادی بهره می‌گیرد. (وحری، ۲۰۱۵: ۳) نکته مهم این است که عربستان سعودی در سال ۲۰۰۶ در اجلاس لندن از سوی کشورهای غربی موظف شد تا در بحران یمن (جنگ میان حوثی‌ها و حکومت عبدالله صالح) مداخله کند. عربستان در سال ۲۰۰۹ نیز پس از آنکه حوثی‌ها در جنگ با حکومت صالح به پیروزی‌هایی دست یافته بودند، علیه حوثی‌ها وارد جنگ شد که طی آن ۱۳۰ افسر عربستانی کشته شدند و نیروهای حوثی تا عمق ۲۵ کیلومتری مرز عربستان نیز نفوذ کردند. عربستان اکنون در حالی بار دیگر علیه حوثی‌های یمن وارد جنگ شد که در سال ۲۰۱۴ حوثی‌ها را به‌عنوان یک سازمان تروریستی معرفی کرد (هلبارا، ۲۰۱۵: ۲۰).

۲- بازیگران بین‌المللی به رهبری آمریکا: تردیدی نیست که حمله عربستان به یمن با موافقت آمریکا انجام شد. عادل الجبیر، سفیر عربستان در واشنگتن، و برخی از مقامات آمریکایی آشکارا اعلام کردند که آمریکا از این حمله اطلاع داشته و از آن حمایت اطلاعاتی و لجستیکی انجام می‌دهد. بدون تردید آمریکا نقش اصلی را در تصویب قطعنامه شورای امنیت درباره بحران یمن که طی آن خواستار توقف ارسال سلاح به جنبش حوثی‌ها شد، ایفا کرد. این قطعنامه که با ۱۴ رأی مثبت و تنها یک رأی ممتنع روسیه به تصویب رسید، به‌منزله مشروعیت دادن شورای امنیت به حمله عربستان علیه یمن است. آن‌ها تلاش دارند دولت آقای عبده منصور که یک دولت متمایل به غرب و متحدان آن بود را برای بار دوم بازگردانند. آمریکایی‌ها جریان انصار الله را مانند جریان حزب الله که یک جریان ضدآمریکایی- رژیم صهیونیستی می‌دانند و در تلاش هستند که اجازه به قدرت رسیدن آن‌ها در یمن و یا داشتن سهم تعیین‌کننده قدرت در یمن را به آن‌ها ندهند. شاید حدود ۲۰ الی ۳۰ درصد دیدگاه متفاوتی بین اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها در مورد یمن وجود داشته باشد اما آن‌چنان تفاوت اساسی و تعیین‌کننده نیست. (بصیری، ۱۳۹۴: ۲-۴). بازیگری چندجانبه روسیه با جریان‌های متمایل با خود در یمن این است که در بحران‌های بزرگ‌تر امتیاز گیری کند و از یک طرف متحدان آمریکا را تحت کنترل و فشار قرار دهد و از طرف دیگر نیز حداقل منافع که در این حوضه‌ها دارد، حفظ کند. چینی‌ها تقریباً نگاه متمایل به روسیه دارند، ولی در اندازه‌ای که این نگاه منجر به مقابله و تنش نظامی با غرب و آمریکا نشود. (همان: ۵-۶)

۳- داعش و نیروهای سلفی- سعودی: القاعده با استفاده از خلأ قدرت در یمن و حملات نظامی عربستان فعالیت خود را در این کشور افزایش داده و عربستان نیز ممانعت جدی از ورود این گروه



به یمن نمی‌کند. حضور گسترده نیروهای القاعده در استان شبوه که حتی با تصرف پادگان گردان پیاده‌نظام ارتش نیز همراه بود، سبب می‌شود تا جدایی‌طلبی در یمن جنوبی تقویت شود. حضور القاعده در یمن احتمال گسترش جنگ داخلی شده و با ترور برخی از سران جنبش انصار الله موجبات بی‌ثباتی و جنگ داخلی در این کشور را فراهم کرده است در این بین برخی قبایل سلفی - سعودی یمن نیز به القاعده در جنگ با انصار الله کمک می‌کنند. (رویوران، ۱۳۹۴: ۶)

۴- محور مقاومت و ایران: با توجه به توافق هسته‌ای ایران با کشورهای ۵+۱، بدون شک برای آمریکا و غرب با توجه به هزینه‌های زیادی که از حضور در منطقه آسیای جنوب غربی پرداخته‌اند نیز این نکته محرز است که برای رسیدن به یک نظم و امنیت پایدار در منطقه نباید از نقش ایران به‌سادگی گذشت از سوی دیگر رویکرد جدید آمریکا در منطقه را می‌توان در گفت‌وگوهایی که اواما با توماس فریدمن، روزنامه‌نگار مشهور آمریکایی در ۲۰۱۵/۴/۴ در روزنامه نیویورک‌تایمز داشت، به‌خوبی مشاهده کرد. وی در این خصوص گفت «بعید می‌داند که ایران بتواند منبع تهدیدی برای عربستان سعودی و کشورهای عربی دیگر باشد». اواما تأکید کرد که بزرگ‌ترین تهدیدی که هم‌پیمانان واشنگتن در منطقه با آن مواجه‌اند از جانب ایران نخواهد بود بلکه خشم داخلی موجود در آن کشورها است. این رویکرد می‌تواند نشانه‌ای از تغییر استراتژی آمریکا در منطقه باشد. تنش‌زدایی و اعتمادسازی در کنار حمایت از صلح و مردم مظلوم منطقه به‌عنوان واقعیت اجتناب‌ناپذیر سیاست منطقه‌ای ایران محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران با عقلانیت راهبردی در مواجهه با این بحران یمن ضمن خنثی‌سازی اهداف عربستان در ایجاد جنگ عرب و عجمی، بازیگری و دیپلماسی خود را با ارائه طرح چهار ماده‌ای به سازمان ملل و ارسال نامه به کشورهای اروپایی، رایزنی‌های گسترده منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله مذاکره با سفرای کشورهای منطقه و جهان تقویت کرد (رمضانی، ۱۳۹۴: ۳).

حمله عربستان به یمن: «شیرین هانتر»، استاد دانشگاه جورج تاون آمریکا، ترکیبی از ترس، عصبانیت و جاه‌طلبی را در زمره علل حمله عربستان سعودی به یمن عنوان می‌کند. این حمله که نشانه ترس و جنون عربستان از تحولات منطقه است و به‌نوعی تبدیل شدن سیاست پنهان عربستان به سیاست آشکار مداخله در امور داخلی کشورهای عربی برای رهبری غیر مشارکتی آنان محسوب می‌شود. هانتر عنوان می‌کند که «سعودی‌ها نسبت به ظهور هر دولتی در یمن که تحت کنترل آن‌ها نباشد، بدگمان هستند به‌ویژه اگر قرار باشد شیعیان نیز در آن نقشی ایفا کنند. علاوه بر این، سعودی‌ها همواره نسبت به ایران



و نقش آن در منطقه بدگمان بوده‌اند و این مطلب حتی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی هم صدق می‌کرد. اما، در آن زمان به دلیل تهدید ناشی از اتحاد جماهیر شوروی سابق و اعراب رادیکال، سعودی‌ها چاره‌ای جز تحمل ایران نداشتند حال آنکه سعی می‌کردند تا به‌طور هم‌زمان از نفوذ این کشور در منطقه خلیج فارس و حتی کشورهایی چون پاکستان و افغانستان بکاهند.. (پایگاه خبری-تحلیلی بصیرت، ۱۵ فروردین ۱۳۹۴). عربستان پس از آن که نتوانست به ائتلاف‌سازی بین‌المللی برای حمله به یمن دست یابد با اقتباس از نظریه هنری کسینجر در جریان جنگ سال ۱۹۷۳ اعراب و رژیم صهیونیستی، به تشکیل نیروی چندملیتی روی آورد و سعی در کسب حمایت ائتلاف ناهمگون هشت کشور عربی بحرین، قطر، کویت، امارات، مغرب، سودان، اردن و مصر کرد. پاکستان و ترکیه برخلاف وعده‌ی حمایت اقدام عملی انجام ندادند. عمان نیز به‌عنوان همسایه یمن استکفام نمود. اقدام عربستان در پی درخواست رئیس‌جمهوری مستعفی، منصور هادی از کشورهای عربی صورت گرفته است. در صورتی که یمن عضو شورای همکاری خلیج فارس نبوده و اتحادیه عرب نیز پس از حمله عربستان در این خصوص تشکیل جلسه داد. این موضوع بیانگر آن است که اقدام عربستان نه در چارچوب سپر جزیره و نه در قالب اتحادیه عرب قابل توجیه است. (رمضانی، ۱۳۹۴: ۵). به‌طور کلی می‌توان ۳ عامل را به‌عنوان علل اصلی حمله عربستان به یمن معرفی کرد که عبارت‌اند: الف- اهمیت جغرافیایی یمن: اهمیت جغرافیای سیاسی یمن را می‌توان از دو بعد اهمیت آن برای عربستان و اهمیت آن برای دیگر بازیگران بیان کرد. اهمیت جغرافیای یمن برای عربستان سعودی: عربستان نگرانی امنیتی و اقتصادی از بحران یمن دارد. «آنتونی کوردزمن» عنوان می‌کند که یمن برای ثبات عربستان سعودی و شبه‌جزیره عرب از اهمیت زیادی برخوردار است. یمن در شمال و غرب با عربستان هم‌مرز است. عربستان ۱۴۵۸ کیلومتر مربع مرز مشترک با یمن دارد.» (کورسمن^۱، ۲۰۱۵: ۵) به لحاظ اقتصادی نیز پالایشگاه‌های بندر عربستانی یانبو در شمال شهر بندری عدن قرار گرفته‌اند. (تیملیستر^۲، ۲۰۱۱: ۳) نکته مهم دیگر این است که عربستان بخش زیادی از صادرات نفت خود را از تنگه باب‌المنندب انجام می‌دهد و نگران این است که تغییر قدرت در یمن سبب بروز مشکل در صادرات نفت این کشور شود. ب- توازن قدرت منطقه‌ای: برخی از تحلیلگران علت حمله عربستان به یمن را در سطح منطقه‌ای و به رقابت میان ایران و عربستان مرتبط دانسته و عنوان می‌کنند که عربستان در بحران‌های سوریه، عراق و لبنان تاکنون در مقابل ایران شکست‌خورده است و اکنون دست برتر انصار الله در یمن را نیز شکست

۱ - Cordesman

۲ - Tim Lister



دیگری برای خود می‌داند که حتی از شکست در سه حوزه دیگر نیز بدتر است. تحلیلگرانی نظیر «لینا خطیب» بر این باور هستند که یمن یک کارت سیاسی در دستان عربستان است تا بتواند درباره موضوعاتی نظیر سوریه با ایران معامله کند (خطیب^۱، ۲۰۱۵: ۱-۴). ج- بحران قدرت در درون خاندان آل سعود: برخی از تحلیلگران عوامل داخلی عربستان به خصوص جنگ قدرت میان شاهزادگان را عامل حمله عربستان به یمن می‌دانند. جاه‌طلبی ملک سلمان و محمدبن سلمان و رقابت برای قدرت در میان خاندان آل سعود نیز یکی از دلایل تصمیم جنون‌آمیز عربستان برای حمله به یمن است. ملک سلمان معتقد است اگر محمدبن سلمان بتواند در جنگ علیه یمن پیروز و به‌عنوان یک جنگاور معرفی شود، می‌تواند وجهه خود در میان آل سعود و میان مردم عربستان را نیز تقویت کند و انتقال سیاسی آرامی در عربستان انجام شود. (جیسون^۲، ۲۰۱۵: ۳)

آینده بحران یمن: شرط ورود به هرگونه مصالحه‌ی سیاسی برای حل مسئله یمن، توقف یورش ائتلاف سعودی است. تا زمانی که این هجوم ادامه داشته باشد هیچ گروهی نمی‌تواند از امنیت خود یقین داشته باشد. به همین دلیل گروه‌های سیاسی با هر طرحی بدون پیش‌شرط توقف تهاجم نظامی مخالفت می‌کنند. در یمن هر گروه سیاسی از جانب بخشی از مردم پشتیبانی می‌شود و این گروه‌ها هرکدام نماینده بخشی از جامعه یمنی هستند. بنابراین، هر نوع گفت‌وگو از سوی گروه‌های درگیر زمانی می‌تواند نتیجه‌بخش باشد که مورد اقبال عمومی قرار گیرد. پس برای کاهش آن نیز در وهله نخست باید این مداخله‌گری‌های خارجی قطع شود و در مرحله بعد، همه‌ی گروه‌های سیاسی گرد هم آیند و به راهکاری اساسی برای عبور از بحران بی‌اندیشند (گزال^۳، ۲۰۱۵: ۷). به این ترتیب، خروج یمن از بحران با یک راهکار یمنی- یمنی امکان‌پذیر است و همه‌ی گروه‌های سیاسی باید با کسب پشتیبانی عمومی و دست‌کم اکثریت در مورد آینده‌ی سیاسی کشورشان تصمیم بگیرند. ارائه‌ی طرح چهار ماده‌ای جمهوری اسلامی ایران برای عبور از وضعیت کنونی یمن و پایان دادن به یورش‌های ائتلاف سعودی در چنین چارچوبی قابل‌درک است و توجه به آن باید در صدر دستورهای کار کشورهای منطقه و سازمان‌های بین‌المللی و به‌ویژه سازمان ملل متحد قرار گیرد. یمن کشوری تأثیرگذار در امنیت انرژی و وقایع دریایی در خلیج فارس، شمال آفریقا و اقیانوس هند است، به همین دلیل آمریکایی‌ها خواهان بی‌ثباتی و ناامنی در یمن نیستند زیرا از این منظر بیشتر متضرر می‌شوند اما به این نیز تن نمی‌دهند که یک دولت کامل هوادار ایران وجود داشته باشد. احتمال تجزیه یمن بسیار بالا



1 - Khatib
2 - Jansen
3 - Gazali

است مانند عراق که این مباحث در آن مطرح بود. اما از آنجایی که در یمن سابقه تجزیه در طول جنگ‌های سرد وجود داشته است بنابراین شرایط تجزیه برای آن مساعدتر است و احتمال دارد اگر بحران‌ها از طریق دیپلماتیک و مسالمت‌آمیز حل نشود و یمن به یک جنگ فرسایشی و طولانی وارد شود، ممکن است با تقسیم یمن مسئله درگیری و جنگ‌های داخلی حل و فصل شود (بصیری، ۱۳۹۴: ۹).

سناریو برای آینده بحران یمن: حملات نظامی عربستان به دو دلیل مهم شروع شده است نخست اینکه عربستان نگاه هویتی و فرقه‌ای به قدرت در جهان عرب دارد و به نوعی نگاه تکفیری در بدنه حاکمیتی آن رسوخ کرده است. عربستان که داعیه رهبری اهل سنت را دارد، کنترل قدرت در کشورهای عربی توسط گروه‌های شیعی را همسو با منافع خود نمی‌داند. به همین دلیل است که در عراق از همه اهرم‌های فشار علیه دولت سابق عراق به رهبری نوری مالکی استفاده کرد و بارها مقامات عراقی دولت عربستان را به حمایت از تروریسم در عراق متهم کردند. این نگاه فرقه‌ای آل سعود به قدرت در بحران بحرین نیز وجود دارد و حتی عربستان در ۱۴ مارس ۲۰۱۱ رسماً به بحرین لشکرکشی کرد و در ادامه سرکوب جنبش‌های اعتراضی بحرین به آل خلیفه کمک می‌کند. اکنون آل سعود به تحولات یمن نیز نگاه هویتی دارد و به قدرت رسیدن شیعیان حوثی را نمی‌پذیرد. همسایگی عربستان سعودی با یمن نیز در تقویت این نگرش آل سعود به تحولات کنونی یمن نقش زیادی ایفا می‌کند. اما دلیل دوم مداخله نظامی عربستان در قالب شورای همکاری خلیج فارس در یمن مربوط به تقویت نفوذ ایران است (بصیری، ۱۳۹۴: ۵). با تقویت قدرت حوثی‌ها که به لحاظ هویت مذهبی به جمهوری اسلامی ایران نزدیک هستند، یمن از نفوذ عربستان خارج شده و ممکن است نفوذ ایران تقویت شود. این در حالی است که عربستان سعودی با صرفه هزینه‌های هنگفت در سوریه و عراق از تروریست‌ها حمایت می‌کند و یک جنگ تروریستی در این کشورها به راه انداخته است تا مانع برهم خوردن توازن قدرت منطقه‌ای به نفع جمهوری اسلامی ایران شود. با توجه به اهمیت یمن برای عربستان سعودی، ریاض قدرت افزایی کنونی انصار الله در یمن را نمی‌پذیرد و ضمن قطع کمک‌های مالی خود به یمن، قبایل و حزب الاصلاح و القاعده را برای جنگ با حوثی‌ها و گروه‌های سیاسی یمن جنوبی برای جدایی طلبی تحریک می‌کند، زیرا عربستان در صدد القای این مطلب به مردم و افکار عمومی یمن است که تجزیه احتمالی این کشور و تمایلات جدایی طلبانه یمن جنوبی نتیجه قدرت گیری و تحرکات انصار الله در شمال یمن



است. با توجه به شرایط حاکم بر یمن سناریوهای زیر برای آینده یمن متصور می‌باشد (ایاکو، ۲۰۱۴: ۲).

سناریوی اول: بی‌تأثیر بودن حملات نظامی و قدرت افزایشی انصار الله و نیروهای ارتش

ادامه روند کنونی یمن که با مدیریت و رهبری انصار الله و در قالب فعالیت شورای ریاست جمهوری باشد در مرحله اول به میزان زیادی به مقاومت و ادامه پیشروی‌های انصار الله و نیروهای ارتش در مناطق جنوبی یمن دارد و ادامه تسلط بر مراکز مهم سیاسی، بندری و نفت خیر یمن دارد در مرحله دوم به تأمین منابع مالی و تجهیزات نظامی موردنیاز وابسته است و در مرحله سوم به حمایت و همراهی مردم و همچنین برخی از گروه‌های مهم سیاسی داخلی این کشور به خصوص حزب الاصلاح، حزب سوسیالیست و رفتار حزب کنگره ملی بستگی دارد. ویژگی عام مردم یمن نیز از منظر تاریخی نسبت به عربستان منفی است و تحولات چندماهه اخیر این کشور موقعیتی استثنایی را برای حوثی‌ها، اسماعیلی‌ها و دیگر گروه‌ها و طوایف یمنی فراهم کرده است تا پس از شش دهه بار دیگر به یکی از بازیگران تأثیرگذار در این کشور در مقابل عربستان و کشورهای مداخله‌گر صفا‌آرایی کنند. یک‌روزی قضیه این است که کشورهای عرب با حملات عربستان که باهدف کاهش نفوذ ایران و قلع‌وقمع حوثی‌ها انجام می‌شود مخالفت نخواهند کرد. (قربان اوغلی، ۱۳۹۳: ۳)

سناریوی دوم: ادامه جنگ و تجزیه یمن به دو کشور یمن جنوبی و یمن شمالی: ادامه جنگ عربستان در یمن و افزایش تعارضات داخلی موجب افزایش نزاع‌های داخلی شده و نهایتاً منجر به تجزیه یمن می‌شود. یمن در میان کشورهای عربی که در سال ۲۰۱۱ شاهد تغییر قدرت بودند، تنها کشوری است که شاهد وقوع چند جنگ داخلی از سال‌های پایانی دهه ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۱ بود. نگاهی به حیات سیاسی یمن پس از استقلال از بریتانیا در سال ۱۹۶۷ تا ۲۰۱۲ نشان می‌دهد که جنگ داخلی نقش مهمی در ساخت قدرت در یمن داشته است. در سال ۱۹۷۹ میان یمن شمالی و جنوبی جنگ درگرفت که در نهایت با میانجیگری جامعه عرب پایان یافت. تنها چهار سال پس از تشکیل یمن متحد، در سال ۱۹۹۴ بار دیگر میان یمن شمالی و جنوبی جنگ درگرفت و علی‌سالم البیض، دبیر کل حزب سوسیالیست یمن، استقلال جمهوری خلق یمن در جنوب این کشور را اعلام کرد اما این جنگ با شکست جدایی‌طلبان یمن جنوبی پایان یافت. عبدالله صالح پس از پایان این جنگ و بدون هیچ‌گونه فرآندومی در قانون اساسی یمن اصلاحات اساسی ایجاد کرد که از مهم‌ترین آن‌ها حذف شورای پنج‌نفری ریاست جمهوری و ایجاد مقام ریاست جمهوری بود. عبدالله صالح بدون هیچ انتخاباتی



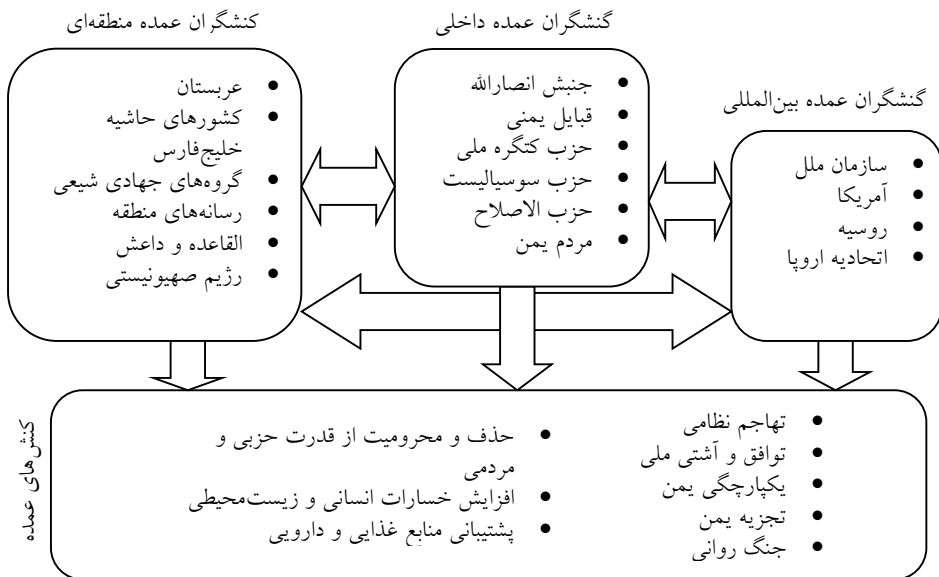
رئیس‌جمهور شد و منصور هادی را نیز به‌عنوان معاون خود برگزید. اما طولانی‌ترین جنگ داخلی یمن طی حدود نیم‌قرن اخیر از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ میان حوثی‌ها و حکومت صالح بود که طی این سال‌ها شش دور جنگ خونین رخ داد که حتی میانجیگری قطر در دور چهارم در سال ۲۰۰۷ نیز نتوانست سبب پایان این جنگ شود و دو دور دیگر نیز تا سال ۲۰۱۰ حوثی‌ها و حکومت صالح جنگیدند. اکنون نیز احتمال تجزیه یمن به سه دلیل ممکن است. نخست اینکه: حزب الاصلاح سعی در کنترل استان نفت‌خیز مارب دارد و شورای ریاست جمهوری را از منابع نفتی که ۷۰ درصد درآمدهای حکومتی یمن را تشکیل می‌دهد، محروم کرده است. دوم اینکه: حزب سوسیالیست و گروه‌ها و مردم در جنوب به بهانه تصرف اوضاع یمن، اعلام خودمختاری کرده و در سومین استان بزرگ یمن یعنی استان شبوه تلاش می‌کنند تا کنترل مراکز اداری و نظامی را در اختیار گیرند. این در حالی است که حزب سوسیالیست تا پیش از استعفای منصور هادی و سقوط صنعا، در اجلاس گفت‌وگوی ملی با انصار الله همسو بودند. سوم آنکه محور عربستان- صهیونیستی حمایت یک‌جانبه خود را از برخی گروه‌های یمنی ادامه می‌دهند و نقش و جایگاه برخی از گروه‌های قدرتمند یمنی نظیر انصار الله را نادیده می‌گیرند. (عمادی، ۱۳۹۴: ۲)

سناریوی سوم: توافق سیاسی جدید، بازگشت منصور هادی و مشارکت حوثی‌ها در قدرت

سناریوی سومی نیز برای یمن وجود دارد که انجام توافق سیاسی جدید، بازگشت منصور هادی به قدرت و مشارکت حوثی‌ها در قدرت می‌باشد. این سناریو می‌تواند مؤثرترین سناریو برای بحران کنونی یمن نیز باشد، چراکه جنگ‌ها به‌ویژه جنگ‌های غرب‌آسبا هیچ‌گاه به نفع مهاجمان پیش نرفته است و سعودی‌ها نیز قدرت‌نمایی چندانی در یمن نکرده و دستاورد مشخصی به‌جز تخریب زیرساخت‌ها و کشتار مردم یمن نداشتند. همچنین مصر هم درگیر منازعات داخلی خود بوده و برای کنترل صحرای سینا نیز با مشکلات جدی روبرو است لذا احتمال پیروزی در برابر شیعه یمنی که از مادر چریک زاده می‌شوند بسیار دور از منظر می‌باشد (محمدی، ۱۳۹۴: ۲). آمریکا به دلیل مشکلات جدی اقتصادی، تغییر جنس و ماهیت تهدیدهای نوین، مداخله مستقیم در یمن را کنار گذاشته و سعی می‌کند با مدیریت از راه دور، واگذار کردن حل مشکلات منطقه‌ای به حامیان منطقه‌ای و تشکیل ائتلاف‌های منطقه‌ای و استفاده جدی‌تر از ابزارهایی مانند تحریم‌ها و مجازات چندجانبه و با کمک‌های سیاسی، اطلاعاتی و حداکثر لجستیکی خود مبادرت به حل بحران یمن کند. (خسروی، ۱۳۹۴: ۶). دو دلیل برای احتمال وقوع سناریو سوم در یمن مطرح است: دلیل نخست این است که با توجه به قدرت بسیج عمومی حوثی‌ها، هیچ دولتی اعم از دولت یمن یا بازیگران خارجی نمی‌توانند



نقش و جایگاه برجسته حوثی‌ها در ساخت سیاسی یمن را انکار و یا محو کند. دلیل دوم این است بنا بر اعلام رسمی مقامات ارشد انصار الله و قبایل حوثی آنان قائل به تشکیل حکومت یمنی-یمنی با شرکت همه گروه‌ها و احزاب یمنی هستند (محمدی، ۱۳۹۴: ۳) لذا حوثی‌های یمن با توجه به ساخت سیاسی و جمعیتی این کشور دارای رویکرد تمامیت‌خواه و تکفیری نبوده و درصدد این نیستند که قدرت را به‌طور کامل در اختیار بگیرند و بر توزیع قدرت و نقش به‌گروه‌های یمنی تأکید دارند. رفتارهای سیاسی و اظهارات عبدالملک الحوثی که نوعی الگو گیری از سید حسن نصرالله، دبیر کل جنبش حزب‌الله، نیز است نشان می‌دهد که حوثی‌ها خواستار تشکیل دولت وحدت ملی با مشارکت همه گروه‌های سیاسی در یمن هستند. با توجه به قطعنامه‌های شورای امنیت و فشارهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای احتمال بازگشت منصور هادی به صندلی ریاست جمهوری یمن نیز وجود دارد. میانجیگری بازیگر سومی که می‌تواند سازمان ملل متحد یا یک کشور باشد نیز در تحقق این سناریو که به نظر می‌رسد در شرایط کنونی مؤثرترین سناریو برای حل بحران یمن باشد، کارساز خواهد بود. (خسروی، ۱۳۹۴: ۵). بر اساس مبانی نظری فوق‌الذکر می‌توان مدل مفهومی عوامل مؤثر بر محیط راهبردی بحران یمن و کنش آن‌ها را در شکل زیر بازنمایی کرد:



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش



روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و اکتشافی و از نظر نوع روش توصیفی-پیمایشی انجام شده است. بر اساس فرآیند پژوهش ابتدا با مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی، عوامل مؤثر بر بحران یمن، نیروهای مؤثر بر آینده یمن و سایر مفاهیم و موضوعات مرتبط با پژوهش تبیین شد و سپس به روش پیمایش کنشگران اصلی در این عرصه اعتباربخشی شد. در روش پیمایش دیدگاه خبرگان انتخابی پژوهش که دارای ویژگی الف- حداقل ۱۵ سال سابقه مفید در موضوعات سیاسی و راهبردی ب- دارای تحصیلات کارشناسی ارشد به بالا، ج- دارای روحیه رصد و پایش رویدادهای سیاسی و امنیتی د- دارای تألیفات و یا تحلیل‌های مرتبط با موضوع پژوهش؛ از طریق پرسشنامه، مصاحبه و سیاهه و آزمون‌های تحلیل آماری همبستگی، واریانس و روایی این عوامل شناسایی شد. سپس با استفاده از روش نقشه نگاشت فازی مبادرت به ترسیم نقشه نگاشت فازی شده و با برنامه‌نویسی رایانه‌ای مسیرهای محتمل پیامدهای ناشی از برهم‌کنش این عوامل بر بحران یمن به‌طور منطقی و شکلی مورد واکاوی و پیش‌بینی قرار گرفت. بر اساس ویژگی‌های جامعه آماری ۲۵ نفر خبره شناسایی شد که ۲۳ نفر در فرآیند پژوهش مشارکت کردند. در این پژوهش داده‌های به‌دست‌آمده از آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و مبتنی بر آمار استنباطی به بررسی نتایج پرداخته است. بدین منظور از روش دلفی برای سنجش روایی و جذابیت عوامل مؤثر بر بحران یمن استفاده شده است. بر این اساس ضریب روایی محتوای سنج‌های تحقیق بیش از میزان ۰/۷ می‌باشند. همچنین پایایی پرسشنامه‌ها نیز از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ و واریانس ۰/۶۹ به دست آمد. در ادامه از پاسخگویان خواسته شد تعدادی از معیارها را که مهم‌تر می‌دانند، انتخاب نموده و میزان اهمیت آن‌ها را در مقیاس ۵ تایی مشخص سازند. محدود کردن تعداد انتخاب‌ها به این دلیل صورت گرفته که پاسخگو معیارهای اساسی را انتخاب کند که در این مرحله از بین ۲۷ عامل، ۲۰ عامل شامل برتر اولویت شدند. برای ترسیم نقشه نگاشت فازی نیز از روش دلفی برای تعیین نوع ارتباط بین کنشگران مؤثر بر بحران یمن بهره‌برداری شد. در ادامه ابتدا خبرگان به سؤال اعتقاد وجود رابطه علی میان متغیرهای ۲۰ گانه به صورت دویه‌دو پاسخ دادند و سپس به سؤال چگونگی تأثیر رابطه متغیر علی در جهت افزایش یا کاهش نقش متغیر معلول پاسخ دادند. پس از طی این فرآیند و بررسی و پایش نتایج، نقشه شناخت فازی بحران یمن تولید شد. در انتها محقق با کمک تیم برنامه‌نویس مبادرت



به کد نویسی و تولید نرم افزار برای محاسبه، شبیه سازی و تحلیل نتایج مبتنی بر روش علمی دینامیک نقشه شناخت فازی نموده و با شبیه سازی تأثیر عوامل بر یکدیگر نتیجه برهم کنش کنشگران را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

تجزیه و تحلیل داده ها و یافته های تحقیق

در این پژوهش مبتنی بر روش تحقیق و مطالعه ادبیات نظری از بین عوامل مؤثر بر بحران یمن ابتدا ۲۷ عامل شناسایی شد و سپس مبتنی بر روش دلفی برای ارزیابی و سنجش اعتبار و جذابیت عوامل مؤثر از جامعه خبره پژوهش خواسته شده مهم ترین عوامل مؤثر را انتخاب نموده و میزان اهمیت آن ها را در مقیاس ۵ تایی مشخص سازند. در این مرحله از بین ۲۷ عامل بدیل، ۲۰ عامل اصلی که دارای اولویت برتری بودند انتخاب شدند.

کد	شرح مفهوم	کد	شرح مفهوم
C1	C1 ثبات و یکپارچگی یمن	C11	توان گروه ها و کشورهای طرفدار صلح و ضد
C2	C2 ثبات و قدرت جنبش انصارالله	C12	C12 گروه های مقاومت و جهادی شیعی
C3	C3 ثبات و قدرت حزب کنگره ملی	C13	C13 سوگیری سازمان ملل متحد
C4	C4 ثبات و قدرت حزب سوسیالیست	C14	C14 توان فکری و رسانه های ایران
C5	C5 ثبات و قدرت حزب الاصلاح	C15	C15 افکار عمومی و رسانه های مستقل
C6	C6 تهاجم القاعده و داعش	C16	C16 آشتی ملی و توافق گروه های یمنی
C7	C7 تهاجم نظامی عربستان	C17	C17 افزایش تلفات انسانی و زیستی
C8	C8 توان اطلاعاتی، لجستیکی و نظامی	C18	C18 تأمین منابع
C9	C9 و متحدان تهاجم نظامی غرب	C19	C19 حذف و محرومیت نقش آفرینی برخی از گروه ها
C10	C10 قدرت پرستیژ عربستان	C20	C20 تهاجم چریکی به منافع درون و برون مرزی

ترسیم نقشه شناخت فازی عوامل مؤثر بر محیط کنش بحران یمن

نقشه شناختی شامل دو جزء اصلی می باشد الف- عوامل مؤثر بر بحران یمن ب- رابطه بین عوامل. هر رابطه دربرگیرنده یک وزن زبانی فازی می باشد که بیانگر آن مفهوم بوده و میزان اعتقاد به صحیح بودن آن نیز از طریق خبرگان در خصوص آن عامل (مفهوم) و رابطه آن با سایر عوامل می باشد. مدل شبیه سازی شده شامل 20 عامل (مفهوم) و ۷۳ ارتباط یا رابطه می باشد که پس از مطالعه و تحلیل ادبیات، شرایط و عوامل مؤثر بر آینده بحران یمن و با اعمال نقطه نظرات خبرگان شناسایی و شبیه سازی شده است. برای تعیین مقدار وزن های فازی روابط ۷۳ گانه بین عوامل، از وزن دهی سه مقیاسی مبتنی بر میزان باور در قوی، متوسط و یا ضعیف بودن تأثیرات عوامل بر یکدیگر بر اساس منطق فازی استفاده شد. وزن های فازی



مربوطه در یک طیف میان (۰ و ۱) تحدید شد. از خبرگان برای مدل‌سازی نقشه شناختی فازی، سؤالات سه‌گانه زیر پرسیده شد:

الف- آیا به وجود رابطه علی میان عوامل (Y_i) و (X_i) اعتقاد دارید؟ جواب بلی/خیر، ب- آیا تأثیر رابطه علی در جهت افزایش یا کاهش نقش یا تأثیر عامل دیگر می‌باشد؟ افزایشی(+) / کاهش(-) و ج- به چه میزان رابطه علی میان عوامل (Y_i) و (X_i) ارزیابی می‌کنید؟ (۰ تا ۱). بنابراین امتیازدهی خبرگان و ایجاد نداشت میان نظرات پاسخ‌دهندگان و منطقی قابل‌پردازش نقشه شناختی، موجبات لازم برای استنتاج و استنباط نظرات تصمیم‌گیرندگان و شناسایی روندها فراهم کرد. بر اساس شرایط حاکم بر بحران یمن و نتایج به‌دست‌آمده از مطالعات و نظرات خبرگان پژوهش، نقشه شناخت فازی مؤلفه‌های کنشگر بر بحران یمن در قالب شکل زیر شناسایی، طراحی و ترسیم شد. این نقشه شناخت فازی از برهم‌کنش ۲۰ عامل مهم و مؤثر کنشگر در عرصه‌ی آینده بحران یمن تشکیل شده است. در نقشه شناخت فازی تأثیر هر یک از مؤلفه‌ها و رویدادها بر دیگر مؤلفه‌ها و رویدادها با علامت یا پیکان جهت‌دار که دارای وزن مثبت (+) و منفی(-) می‌باشد نشان داده شده است. در صورتی که بین دو گره رابطه‌ای علت و معلولی برقرار نباشد علامت پیکان دارای علامت صفر است که در آن حالت دیگر لزومی به ترسیم پیکان وجود نداشت. در این پژوهش به دلیل گستردگی تعداد عوامل و رابطه بین آن‌ها، برای تبیین نوع ارتباط بین عوامل کنشگر و رابطه علت و معلولی بین آن‌ها از روش تبیین تأثیرگذاری افزایشی، یا کاهش و یا بدون تأثیر استفاده شده است. بدین منظور خبرگان موردنظر این پژوهش ابتدا به سؤال اعتقاد وجود رابطه علی میان عوامل ۲۰ گانه به صورت دوه‌دو پاسخ دادند و سپس به سؤال چگونگی تأثیر رابطه عوامل علی در جهت افزایش یا کاهش نقش عوامل معلولی پاسخ دادند. پس از طی این فرایند و بررسی و پایش نتایج، نقشه شناخت فازی بحران یمن و سناریوهای پیش روی آن تولید شد.



W =

	C 1	C 2	C 3	C 4	C 5	C 6	C 7	C 8	C 9	C1 0	C1 1	C1 2	C1 3	C1 4	C1 5	C1 6	C1 7	C1 8	C1 9	C2 0	
C1	0	0	0	0	0	-1	-1	0	-1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	-1
C2	+1	0	+1	0	-1	0	0	0	0	-1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
C3	+1	+1	0	0	0	0	0	0	0	-1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
C4	+1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
C5	+1	-1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
C6	-1	-1	0	0	+1	0	+1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
C7	-1	-1	0	0	+1	+1	0	0	0	0	0	0	0	0	-1	0	+1	0	+1	0	0
C8	0	0	0	0	+1	+1	+1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	+1	0	0	+1	0
C9	-1	-1	0	0	0	0	0	0	0	+1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
C10	0	0	0	0	0	0	+1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
C11	+1	0	0	0	0	0	-1	0	0	0	0	-1	0	0	0	0	0	0	0	0	0
C12	0	+1	0	0	0	0	-1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
C13	-1	-1	0	0	0	+1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	-1	0	0
C14	+1	+1	0	0	0	0	0	0	0	-1	0	0	0	0	+1	+1	0	0	0	0	0
C15	0	0	0	0	0	-1	-1	0	0	0	+1	0	0	0	0	0	-1	0	0	0	0
C16	+1	+1	+1	+1	+1	-1	-1	0	-1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
C17	0	0	0	0	0	+1	+1	+1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
C18	+1	+1	+1	+1	+1	0	-1	0	0	0	0	0	0	0	0	+1	0	0	0	0	0
C19	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	+1
C20	-1	0	0	0	0	0	0	0	0	-1	0	0	0	0	0	-1	0	0	0	0	0



این پژوهش به دلیل گسترگی عوامل نقشه شناخت فازی و برای تسریع در همگرایی محاسبات نقشه شناخت فازی برای تجزیه و تحلیل برهم کنش رخدادهای مؤثر در بحران یمن از معادلات بردار ماتریس ۱ و ۲ که قبلاً تشریح شد استفاده می‌شود. هم‌چنین از معادله حدی دوسطحی، برای نرمال‌سازی نتایج محاسبات ریاضی استفاده می‌شود. مقدار بردار شرایط اولیه نقشه شناخت فازی را متباین با رخداد افزایش و استمرار تهاجم نظامی عربستان به یمن و سوگیری سازمان ملل در نظر می‌گیریم و تأثیر آن را بر سایر عوامل و رخدادهای در نقشه شناخت فازی بررسی می‌کنیم. بدین ترتیب بردار اولیه C_0 برابر است با:

	C	C	C	C	C	C	C	C	C	C	C	C	C	C	C	C	C	C	C	C	C	C
	1	2	3	4	5	6	7	8	9	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	2
$C_0 =$	0	0	0	0	0	0	+1	0	0	0	0	0	+1	0	0	0	0	0	0	0	0	0

با استفاده از معادلات ۱ و ۲ وضعیت نقشه شناخت فازی، سیستم شبیه‌سازی بحران یمن محاسبه

می‌شود:

$$C_{new1} = (C_0 \cdot W) + C_0$$

	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16	C17	C18	C19	C20
$C_{new1} =$	-1	-1	0	0	+1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	+1	-1	0	0
$C_{new2} =$	-1	-1	-1	0	0	+1	0	0	0	-1	0	0	+1	0	0	0	0	0	0	0
$C_{new3} =$	-1	-1	-1	1	+1	+1	+1	0	0	0	0	0	0	0	0	+1	+1	0	+1	+1
$C_{new4} =$	-1	-1	-1	0	+1	+1	+1	0	0	-1	0	0	+1	0	0	+1	+1	-1	+1	+1
$C_{new5} =$	-1	-1	-1	0	+1	+1	+1	0	0	-1	0	0	+1	0	0	+1	+1	-1	+1	+1

$$C_{new5} = C_{new4}$$



بر اساس تحلیل و بررسی بردار C_{new5} به این نتیجه می‌رسیم که اعداد به‌دست‌آمده موجب همگرایی در ماتریس نقشه شناخت فازی C_{new5} شده است. لذا می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که با افزایش و استمرار تهاجم نظامی عربستان به یمن (عامل C_7) و سوگیری و تعلل سازمان ملل در ایجاد آتش‌بس (عامل C_{13}) به‌سرعت شاهد افزایش تلفات انسانی و زیستی، (عامل C_{17}) و تشدید محدودیت منابع (عامل C_1) و همچنین افزایش تهاجمات گروه تروریستی القاعده و داعش در منطقه و یمن (عامل C_6) و تضعیف ثبات و یکپارچگی یمن و احتمال تجزیه یمن (عامل C_1) و التهاب افکار عمومی جهان و افزایش تهاجمات چریکی علیه منافع عربستان در خارج از یمن (عامل C_{20}) خواهیم بود که امنیت منطقه را تهدید کرده و پرستیژ عربستان را کاهش می‌دهد. در ادامه پژوهش تحلیل روندی برهم‌کنش عوامل مؤثر بر بحران یمن ابتدا مقدار بردار شرایط اولیه نقشه شناخت فازی را متباین با عامل (رخداد) افزایش فعالیت‌های آشتی ملی و توافق گروه‌های یمنی (عامل C_{16}) و نقش‌آفرینی همه گروه‌های یمنی (عامل C_{19}) در نظر می‌گیریم و تأثیر آن را بر سایر رخدادها و مفاهیم در نقشه شناخت فازی

بررسی می‌کنیم. بدین ترتیب و بر اساس مفروضات فوق‌الذکر بردار اولیه C_0 برابر می‌شود با: با استفاده از معادلات ۱ و ۲ فوق‌الذکر و نقشه شناخت فازی، فرآیند شبیه‌سازی بحران یمن انجام

می‌شود:

$$C_{new1} = (C_0 \cdot W) + C_0$$

C	C	C	C	C	C	C	C	C	C	C ₁	C ₁	C ₁	C ₁	C ₁	C ₁	C ₁	C ₁	C ₁	C ₂	
1	2	3	4	5	6	7	8	9	0	1	2	3	4	5	6	7	8	9	0	
0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0



	C 1	C 2	C 3	C 4	C 5	C 6	C 7	C 8	C 9	C 10	C 11	C 12	C 13	C 14	C 15	C 16	C 17	C 18	C 19	C 20
$C_{new1} =$	+1	+1	+1	+1	0	0	-1	0	0	0	0	0	0	0	0	+1	0	0	-1	0
$C_{new2} =$	+1	+1	+1	+1	0	0	-1	0	0	0	0	+1	-1	0	0	0	0	0	0	0
$C_{new3} =$	+1	+1	0	+1	+1	-1	0	0	0	-1	0	0	0	0	0	+1	0	0	-1	-1
$C_{new4} =$	+1	+1	+1	+1	+1	0	-1	0	0	-1	0	0	0	0	+1	+1	0	0	-1	-1
$C_{new5} =$	+1	+1	+1	0	+1	-1	-1	0	0	-1	+1	0	0	0	0	0	-1	0	0	0
$C_{new6} =$	+1	+1	+1	+1	+1	-1	-1	0	0	-1	0	0	0	0	0	+1	-1	0	0	-1
$C_{new7} =$	+1	+1	+1	+1	+1	0	-1	0	0	-1	0	0	-1	0	0	+1	0	0	-1	-1
$C_{new8} =$	+1	+1	+1	+1	+1	-1	-1	0	0	-1	+1	0	-1	0	0	+1	-1	0	0	-1
$C_{new9} =$	+1	+1	+1	+1	+1	-1	-1	0	0	-1	0	0	-1	0	0	+1	-1	0	-1	0
$C_{new10} =$	+1	+1	+1	+1	+1	-1	-1	0	0	-1	+1	0	0	0	0	+1	-1	0	-1	-1
$C_{new11} =$	+1	+1	+1	+1	+1	-1	-1	0	0	-1	0	0	-1	0	0	+1	-1	0	-1	-1

$$C_{new11} == C_{new10}$$

بر اساس تحلیل و بررسی بردار C_{new11} به این نتیجه می‌رسیم که اعداد به‌دست‌آمده موجب همگرایی نسبی در ماتریس نقشه شناخت فازی C_{new10} شده است. لذا می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که با افزایش عامل (رخداد) افزایش فعالیت‌های آشتی ملی و توافق گروه‌های یمنی (عامل C_{16}) و نقش‌آفرینی همه گروه‌های یمنی (عامل C_{19}) در نظر می‌گیریم و یا به عبارتی عزم ملی یمنی‌ها برای حل مسالمت‌آمیز بحران یمن بدون تأثیرپذیری از قدرت‌های غیر یمنی و پذیرفتن همه یمنی‌ها در منظومه قدرت با فراز نشست‌هایی منتهی به افزایش ثبات و امنیت ملی یمن شده (عامل C_1) و تهاجم کشورهای بیگانه نظیر عربستان را کاهش می‌دهد (عامل C_7) و



شاهد کاهش نفوذ گروه‌های تروریستی القاعده در یمن (عامل C6) هستیم همچنین امنیت عربستان در درون و خارج این کشور حفظ شده (عامل C20) و از همه مهم‌تر شاهد کاهش تلفات انسانی هستیم لیکن همان‌طور که در شبیه‌سازی مشخص است عوامل میانجی و متغیرهای مزاحم نقش بسیار زیادی در همگرایی نتایج دارند به‌طور مثال نقش سازمان ملل متحد و کشورهای طرفدار صلح (عامل C13) و (عامل C11) به‌عنوان عوامل کنشگر مؤثر بر همگرایی کامل شبیه‌سازی مشهود است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف - نتیجه‌گیری:

روش آنالیز علمی و منطقی نقشه شناختی فازی استفاده‌شده در این پژوهش، به تحلیل گران راهبردی این امکان را می‌دهد تا با درک و فهم ملموس‌تر فضای کنشی کنشگران بحران یمن و شناسایی و خلق رویدادهای مختلف در این فضا، مسیرهای بدیل رسیدن به صلح و ثبات در منطقه را کشف کنند چراکه در فرآیند پرشتاب فناوری و تأثیرگذاری تصمیمات امنیتی و مدیریتی نهادهای محلی، ملی و بین‌المللی و سایر عوامل محیطی درون‌زا و برون‌زا بر رویدادها، بحران‌ها به شکل روزافزونی پیچیده و مبهم شده است. تصمیمات روزمره‌ای که تا چند دهه قبل به‌سادگی قابل اتخاذ بودند، امروزه به معادلات و نامعادلاتی چندوجهی بدل گردیده‌اند همان‌طور که در این پژوهش نشان داده شد به دلیل ساختار مدل نقشه شناخت فازی و از طرفی با توجه به شرایط محیطی پویا و در حال تغییر، امکان استفاده از این مدل در هر حالتی و با تغییر اوزان روابط علت و معلولی عوامل وجود دارد و می‌توان تحلیل‌های تخصصی مبتنی بر تغییر رفتار و کنش کنشگران را واکاوی کرد همچنین در این پژوهش که در بخش قبل کاملاً توضیح داده شد با کمک روش پژوهش و تجزیه و تحلیل اطلاعات، به تمامی سؤالات پژوهش پاسخ داده شد بر این اساس مشخص شد که مؤلفه‌های مؤثر بر بحران یمن مشتمل بر ۲۰ عامل است و نتایج در قالب یک مدل مفهومی برهم‌کنش این عوامل و یک مدل نقشه شناخت فازی بازنمایی شد و مشخص شد که هیچ‌یک از عوامل مؤثر بر محیط راهبردی بحران یمن دارای نقش تامه نبوده و سناریوهای متعددی در آینده بحران یمن قابل شناسایی و شبیه‌سازی است در این بین مهم‌ترین عامل مؤثر بر بحران یمن نیروهای مردمی و یمنی از هر دو طیف می‌باشند که بدون لحاظ کنش آن‌ها پایان پایداری بر این بحران قابل شناسایی نیست.



ب- پیشنهاد:

در ادامه این پژوهش و برای غنای هر چه بیشتر آن و ارتقای مدل درک راهبردی تصمیم‌گیری، پیشنهاد می‌شود شبیه‌سازی بر اساس نقشه شناختی تدوین شده در این پژوهش و با پیش‌فرض کنش بیش از پنج عامل به‌طور هم‌زمان، انجام شود و نتایج با شرایط واقعی بحران یمن در بازه‌های زمانی مختلف مقایسه شود. بدیهی است این مهم امکان بازمهندسی نقشه شناختی و تدقیق اوزان مؤثر بر محیط راهبردی یمن و شناخت آینده بحران یمن را ممکن می‌سازد و نتایج شبیه‌سازی و تحلیل راهبردی را معتبرتر می‌کند.



فهرست منابع

- منابع فارسی:

- آحارنوت، یدیعوت، (۱۳۹۴)، "بحران یمن؛ جنگی برای نجات سلطنت سعودی"، روزنامه رژیم صهیونیستی
- آرمسترانگ، مایکل، (۱۳۸۹). "مدیریت استراتژیک منابع انسانی. ترجمه سید محمد اعرابی و امید مهدیه"، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بصیری، محمدعلی، (۱۳۹۴)، "تجزیه و یا جنگ فرسایشی در یمن و منافع بازیگران جهانی"، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح IPSCT. فروردین
- پایگاه خبری، تحلیلی بصیرت، (۱۳۹۴)، "حمله عربستان به یمن"، به آدرس سایت: www.basirat.ir
- پورصادق، ناصر، علوی وفا، سعید و خراشادی زاده، محمدرضا. (۱۳۹۱). "تحلیل کنش کشگران مؤثر بر بحران سوریه"، مدیریت نظامی، دانشگاه امام علی (ع)، شماره ۴۷
- خجسته، حسن، (۱۳۹۳)، "بررسی پیشینه تحول رسانه ملی"، سایت www.khojaste.ir
- خسروی، قرآن، (۱۳۹۴)، "تحولات بین‌المللی - بحران یمن و تحولات پیش روی"، پایگاه خبری تحلیلی نیلکوه
- دیتور، جمیز، (۱۳۷۸)، "آینده پژوهی به‌عنوان دانشی کاربردی"، ترجمه: سیداحمد ابراهیمی، عقیل ملکی فر، رهیافت.
- رمضانی، امیر، (۱۳۹۴)، "بحران یمن؛ رویکرد عربستان و نقش مؤثر ایران در منطقه"، تحلیل غرب آسیا
- رویوران، حسین، (۱۳۹۴)، "عوامل دخیل در بحران کنونی یمن و توان جنبش انصار الله"، برهان
- عمادی، سیدرضا، (۱۳۹۴)، "یمن و بازیگران عمده"، اندیشکده راهبردی تبیین،
- قربان اوغلی، جاوید، (۱۳۹۳)، "بحران یمن و اشتباه محاسباتی حوثی‌ها".
- محمدی، مهدی، (۱۳۹۴)، "جوانب و دلایل حمله عربستان به یمن و پیامدهای آن"، اندیشه سیاسی، ۴۸ - منتظمی،
- وزارت امور خارجه (۱۳۹۲)، "کتاب سبز یمن"، پژوهشکده خارجی
- هاتر، شیرین، (۱۳۹۴)، "تحولات یمن از نگاه / هراس سعودی‌ها از حکومت مستقل در یمن"، تحلیلی بصیرت، پایگاه خبری.



- منابع انگلیسی:

- Ahelbarra Hashem, (2015), Yemen Crisis explained, Aljazeera.
- Cartalucci, Tony, (2015), Saudi Attack on Yemen - The New Normal? <http://www.Activistpost.Com/2015/03/saudi-attack-on-yemen.html>
- Cordesman Anthony, (2015), America; Saudi Arabia and the Strategic Importance of Yemen, Center for Strategic & International Studies (CSIS).
- Eia, co (2014), Yemen, www.Eia.Gov/countries/cab.cfm?fib=ym
- Gazali, Abdus Sattar, (2015), the U. S. Geostrategic objectives behind the war in Yemen, Aljazeera.
- Khatib, Lina, (2015), Saudi Arabia's Comeback via Yemen, Carnegie Endowment for International Peace.
- Jansen, Michael, (2015), why is Saudi Arabia bombing Yemen? The Irish Times.
- Montazemi ,A. R.& Conrath , D. W., (1986) ,"The Use of Cognitive Mapping for Information Requirements Analysis," MIS Quarterly, 10:44-55,
- Naylor Hugh, (2015), fighting in Yemen is creating a humanitarian Crisis, Washington Post.
- Heydebrec, Peter,(2011),F2C – An Innovative Approach to Use Fuzzy Cognitive Maps (FCM) for the Valuation of High-Technology Ventures, Vol., Article ID.
- Thompson, Nick and Torre, Inez, (2015), Yemen: Who's joining Saudi Arabia's fight against the Houthis? , CNN.
- Tim Lister,M. (2011), why we should care about Yemen, CNN
- Wehrey Frederic, (2015), Into the Maelstrom: The Saudi-Led Misadventure in Yemen, Carnegie Endowment for International Peace.

